

رابطه رشد شغلی و سلامت روان دانشجویان دختر دوره کارشناسی ارشد

علی محمد نظری، فاطمه گودینی، ربابه شرزوانی

مقدمه

رشد شغلی به عنوان فرایندی در طول عمر نگریسته می‌شود که ابعاد زیادی را در برمی‌گیرد، در واقع رشد شغلی به عنوان حد تسلط افراد در مورد تکالیف رشد شغلی‌شان تعریف می‌شود که هم شامل مؤلفه دانش و هم شامل مؤلفه نگرش است به گونه‌ای که متناسب با رشد شغلی فرد باشد (کرایتز، 1995). در نظریه سوپر رشد شغلی به عنوان فرایندی نگریسته می‌شود که در طول عمر به وقوع پیوسته و ابعاد مختلفی دارد (همانند نظریه رشد روانی اجتماعی اریکسون) و شامل پنج مرحله رشد می‌شود که عبارتند از 1- رشد 2- مکاشفه 3- ایجاد 4- ایفا 5- افول این مراحل رشد شغلی چارچوبی برای مشاهده رفتار و نگرش‌های شغلی فراهم می‌کند که از طریق 5 فعالیت معروف به تکالیف رشد شغلی مشخص می‌شود که عبارتند از 1- تیلور 2- تعیین 3- اجرا 4- تثبیت 5- تحکیم (زونگر، 1387).

در درون هر مرحله سوپر، وظایف مشخص رشدی را ارائه داد. تسلط موفق در این وظایف به افراد اجازه می‌دهد تا به طور مؤثر در طی آن مرحله به نقش‌های زندگی‌شان عمل کنند و موفقیت در اجرای این نقش‌ها آنها را برای وظیفه جدیدی آماده می‌کند. سازگاری موفق با ضروریات هر مرحله بستگی به بلوغ شغلی افراد دارد. بلوغ شغلی یا همان آمادگی برای تسلط مؤثر در وظایف رشدی هر مرحله با عوامل نگرشی و شناختی سرو کار دارد. اوسیپو و فیتز جرالده (1996) می‌نویسد "بلوغ شغلی به مشاهده کننده اجازه می‌دهد تا به میزان و سطح رشد افراد در رابطه با مسائل شغلی دسترسی پیدا کند" (ص 114).

با توجه به اینکه شغل نقش مهمی در زندگی دانشجویان دوره کارشناسی ارشد دارد و بخش مهمی از جمعیت جوان کشور در حال تحصیل در دانشگاه‌ها هستند در این پژوهش کوشش شده است رابطه بین رشد شغلی با سلامت روان را در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد شاخه‌های علوم انسانی و علوم پایه دانشگاه تربیت معلم تهران بررسی شود.

روش

شرکت کنندگان: شامل 100 نفر (56 نفر دانشجوی علوم انسانی و 44 نفر دانشجوی علوم پایه) بود. از 1497 دانشجوی دختر کارشناسی ارشد (844 نفر علوم انسانی و 653 نفر علوم پایه) این افراد به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. طرح پژوهش از نوع همبستگی می‌باشد.

ابزار: 1) پرسشنامه SC190 شامل 90 سؤال و 9 خرده مقیاس است که به وسیله پاسخگو گزارش می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه بین 78% تا 90% محاسبه شده است. پرسشنامه رشد شغلی (CDI-A-S-F). این پرسشنامه شامل 33 سؤال و 4 خرده مقیاس می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه 73% تا 82% محاسبه شده است.

یافته‌ها

فرضیه اول و دوم وضعیت رشد شغلی و سلامت روان دانشجویان دختر کارشناسی ارشد شاخه‌های علوم انسانی و علوم پایه چگونه است؟ با توجه به این که میانگین نمرات دانشجویان شاخه‌های علوم انسانی و علوم پایه در آزمون رشد شغلی به ترتیب 69/20 و 69/89 می‌باشد از متوسط نمره مورد نیاز بیشتر می‌باشد بنابراین دانشجویان در سطح نسبتاً بالایی از رشد شغلی قرار دارند. با توجه به این که میانگین نمرات دانشجویان مذکور در آزمون سلامت روان به ترتیب 0/84 و 1/06 می‌باشد و از آنجایی که میانگین نمره سلامت روان در آزمون SC190 باید کمتر از 2 باشد بنابراین دانشجویان در سطح نسبتاً بالایی از سلامت روان قرار دارند. فرضیه سوم: آیا بین رشد شغلی و سلامت روان رابطه معنادار وجود دارد؟

جدول 1

ضریب همبستگی بین رشد شغلی و سلامت روان							
رشد شغلی		شاخص سلامت روان		r		p	
-0/004		0/96					
با توجه به نتیجه ارائه شده در جدول 1 ($r = -0.004$) می‌توانیم نتیجه بگیریم که بین رشد شغلی و سلامت روان رابطه معناداری وجود ندارد. فرضیه چهارم: آیا بین میزان رشد شغلی و سلامت روان دانشجویان شاخه‌های علوم انسانی و علوم پایه تفاوت معناداری وجود دارد؟							
جدول 2							
نتایج آزمون t دو گروه مستقل							
آزمونها	آزمون لوین	آزمون t	T	df	Sig (2tailed)	تفاوت میانگین‌ها	تفاوت خطای استاندارد
رشد شغلی	1.38	0.24	-0.29	98	0.77	-0.69	2/4
سلامت	0.36	0.55	-1.5	98	0.13	-0.21	0/14

روان

نتایج مشاهده شده در جدول 2 نشان می‌دهد که بین دانشجویان شاخه‌های علوم انسانی و علوم پایه در رشد شغلی و سلامت روان تفاوت معناداری وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین رشد شغلی و سلامت روان ارتباط معناداری وجود ندارد. نتیجه آزمون t بین سلامت روان و شاخه تحصیلی نشان می‌دهد که بین دانشجویان دو شاخه از نظر سلامت روان تفاوت معنادار وجود ندارد و میانگین دانشجویان شاخه علوم انسانی برابر با 69.20 و میانگین علوم پایه برابر با 69.89 است. نتیجه آزمون t بین رشد شغلی و شاخه تحصیلی نشان می‌دهد که بین دانشجویان دو شاخه از نظر رشد شغلی تفاوت معنادار وجود ندارد و میانگین دانشجویان شاخه علوم انسانی برابر با 0.84 و میانگین علوم پایه برابر با 1.06 می‌باشد. در جامعه مدرن و صنعتی امروز، مسئله سلامت از مقوله‌های مهم محسوب می‌شود. سازمان جهانی بهداشت سلامت را حالت رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی و نه فقط فقدان بیماری تعریف می‌کند (به نقل از بلدرو و فالن، 1995). بخش مهمی از جمعیت جوان کشور در حال تحصیل در دانشگاه‌ها هستند. نقش این دانشجویان به عنوان سرمایه انسانی در آینده کشور بسیار با اهمیت است (رسول زاده طباطبایی، 1387). در پژوهش حاضر وضعیت رشد شغلی و سلامت روان دانشجویان دانشگاه تربیت معلم و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و با شاخه تحصیلی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که 45% دانشجویان مورد بررسی نمرات بالاتر از میانگین در آزمون رشد شغلی و 94% دانشجویان مورد بررسی نمرات پایین تر از میانگین در آزمون سلامت روان گرفتند.

منابع

رسول‌زاده طباطبایی، سید کاظم و همکاران (1387). بررسی سلامت عمومی دانشجویان تربیت مدرس. مقاله ارائه شده در چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه شیراز.
زونگر. مشاوره شغلی، رویکرد کلی نگر، ترجمه دکتر علی محمد نظری (در دست چاپ). تهران، انتشارات سمت.
سوانسون، جین و فؤاد، نادیا. نظریه‌های جدید مشاوره شغلی و کاربرد، رقیه موسوی، (1381). تهران، انتشارات اصلح.

Boldero, J. & Fallen, B. (1995). Adolescent Help-seeking: What do they get help for and from whom. *Journal of Adolescence*, 18, 193-202.

Osipow, S.H, & Fitzgerald, L. (1996). *Theories of career development* (4th ed). Needham Heights MA: Allyn & Bacon.